اجاره‌نشینی ۱ احتمالی در مدل تکلیف مالی؛ بدهی دولت و مالیات آینده در سایه کاهش درآمد نفتی

(گزارش ویژه) — بخش دوم تحولات مالی و اقتصادی ۸ قسط‌بندی شده

بانک مرکزی / هدایت‌الله رضوی ▢

شورای پول و اعتبار، با انتشار بخشنامه‌ای به شماره ۱۴۰۳/۲۱۰ خطاب به بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه، سقف تازه‌ای برای نرخ سود تسهیلات خرد تعیین کرد. بر اساس این بخشنامه، نرخ سود تسهیلات زیر ۲۰۰ میلیون تومان برای بخش خانوارها نباید از ۲۴ درصد در سال بیشتر باشد. این تصمیم در حالی گرفته شد که گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد بسیاری از وام‌گیرندگان ناچار شده‌اند وام جدید بگیرند تا اقساط وام قبلی را بپردازند.

در شهرستان نمین، یکی از کارشناسان بانک توسعه منطقه‌ای گفت: «ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که در گزارش‌های رسمی دیده نمی‌شود. خانوارهایی که سه فقره وام دارند، ماه به ماه مبلغ بیشتری از درآمد خود را صرف بازپرداخت می‌کنند و هنوز هیچ نشانه‌ای از بهبود وضعیت مالی‌شان دیده نمی‌شود.» به گفته او، میانگین مبلغ وام‌های پرداخت‌شده در این شهرستان در شش ماه گذشته حدود ۱۸ درصد کاهش یافته است.

در مقابل، مدیران بانک‌ها استدلال می‌کنند که افزایش نرخ سود تسهیلات به معنای افزایش مطالبات غیرجاری است و این موضوع می‌تواند پایداری نظام بانکی را تضعیف کند. در گزارش داخلی یکی از بانک‌های خصوصی که نسخه‌ای از آن به دست ما رسیده، آمده است که نسبت مطالبات معوق در شعب روستایی این بانک در سه ماهه پایانی سال گذشته از ۹ به ۱۴ درصد رسیده است. این آمار، هرچند رسمی نیست، اما نشان می‌دهد فاصله میان آمار رسمی و واقعیت میدانی تا چه اندازه زیاد است.

از سوی دیگر، برخی فعالان اقتصادی معتقدند که کاهش سود تسهیلات بدون اصلاح ساختار تأمین مالی بانک‌ها، صرفاً فشار را از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌کند. اگر بانک‌ها ناچار شوند منابع خود را از بازار بین‌بانکی با سود بالا تأمین کنند، هزینه تمام‌شده تسهیلات دوباره افزایش می‌یابد و نهایتاً به مشتری برمی‌گردد. این چرخه، به گفته برخی کارشناسان، می‌تواند به ایجاد حباب کوچک‌تری در بازار پول منجر شود که در صورت ترکیدن، هزینه آن بسیار بیشتر از سود فعلی خواهد بود.

در پایان بخشنامه آمده است که بانک مرکزی موظف است تا پایان خرداد ماه گزارشی درباره اثرات این تصمیم منتشر کند. این گزارش قرار است شامل آمار تفکیک‌شده بر اساس استان، اندازه وام و بخش اقتصادی باشد. اما تا زمان تنظیم این گزارش، هیچ آمار رسمی درباره میزان وام‌های تمدید شده یا بازپرداخت‌شده منتشر نشده است. این خلأ اطلاعاتی، به گفته برخی تحلیل‌گران، امکان ارزیابی دقیق تأثیر بخشنامه را عملاً ناممکن می‌کند.

بدهی دولت و مالیات آینده

بدهی دولت به بانک‌ها و بازار بین‌بانکی به رقمی نزدیک به ۱۲۰۰ تریلیون تومان رسیده است که بخش بزرگی از آن در قالب اوراق مشارکت و تسهیلات کوتاه‌مدت تأمین شده است. این رقم، که معادل تقریبی ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی است، در سال‌های اخیر با شیبی تند افزایش یافته و اکنون به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل شده است. پرسش اصلی این است که این بدهی چگونه و در چه زمانی باید تسویه شود و پیامدهای آن بر مالیات آینده شهروندان چیست.

در سوی درآمد، کاهش درآمد نفتی و محدودیت‌های تحریمی فشار مضاعفی بر بودجه وارد کرده است. در سوی هزینه، تعهدات اجتماعی و یارانه‌ای دولت نیز افزایش یافته است. نتیجه این دو مسیر، نیاز فزاینده به منابع مالیاتی است. اما پرسش مهم این است که آیا ساختار مالیاتی کشور ظرفیت پاسخ‌گویی به این نیاز را دارد یا خیر، و اگر پاسخ منفی است، پیامدهای آن بر معیشت خانوارها چه خواهد بود.

در سال ۱۴۰۲، سهم مالیات از کل درآمدهای بودجه حدود ۴۲ درصد برآورد شده است. این رقم در مقایسه با دهه گذشته افزایشی محسوس را نشان می‌دهد، اما هنوز فاصله زیادی با میانگین کشورهای منطقه دارد. در مقابل، سهم درآمدهای نفتی و گازی همچنان بالاتر از یک سوم است و این ساختار، آسیب‌پذیری بودجه را در برابر نوسان قیمت جهانی انرژی افزایش می‌دهد. پرسش کارشناسی این است که افزایش مالیات تا چه حد می‌تواند جایگزین درآمد نفتی شود بدون آنکه تولید داخلی را تضعیف کند.

از سوی دیگر، برخی اقتصاددانان هشدار می‌دهند که افزایش مالیات در شرایط رکود می‌تواند اثر معکوس داشته باشد و پایه مالیاتی را کوچک‌تر کند. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که اصلاح ساختار مالیات بر درآمد شرکت‌ها و معافیت‌های گسترده می‌تواند بدون فشار مستقیم بر مردم، درآمد قابل توجهی ایجاد کند. این دو دیدگاه، اگرچه متفاوت‌اند، هر دو بر ضرورت شفافیت در گزارش‌دهی درآمدها و هزینه‌های مالیاتی تأکید دارند.

در بخش پایانی گزارش، پیشنهادهایی مطرح شده است از جمله تجدید نظر در معافیت‌های مالیاتی، تقویت سامانه مودیان و کاهش تدریجی یارانه‌ها به شکلی هدفمند. این پیشنهادها در متن گزارش با ارزیابی کوتاه‌مدت و بلندمدت همراه است و خواننده می‌تواند هر یک را جداگانه بررسی کند. در بخش بعدی، سناریوهای مختلف برای تسویه بدهی و پیامدهای هر یک بر معیشت خانوارها با جزئیات بیشتر آمده است.

سناریوهای تسویه بدهی

سناریوی نخست، تسویه تدریجی بدهی از محل افزایش درآمد مالیاتی در افق ۱۰ ساله است. در این سناریو، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها به تدریج افزایش می‌یابد و معافیت‌های گسترده حذف می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد اگر رشد اقتصادی به طور متوسط ۳ درصد در سال باشد، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی در پایان دوره به حدود ۱۲۰ درصد کاهش می‌یابد. این سناریو نیازمند ثبات سیاست‌گذاری و اجرای دقیق است و هر وقفه در اصلاحات، زمان تسویه را افزایش می‌دهد.

سناریوی دوم، تسویه از محل فروش دارایی‌های دولتی است. ارزش برآوردی این دارایی‌ها در گزارش‌های رسمی حدود ۴۰۰ تریلیون تومان برآورد شده است. اما کارشناسان هشدار می‌دهند که فروش دارایی‌ها در شرایط عرضه زیاد، قیمت‌ها را پایین می‌آورد و درآمد واقعی کمتر از ارزش اسمی خواهد بود. این سناریو برای کوتاه‌مدت جذاب است، اما پایداری آن به شرایط بازار و اجرای شفاف بستگی دارد.

سناریوی سوم، کاهش هزینه‌های جاری دولت است. حذف یارانه‌ها، کاهش هزینه‌های اداری و واگذاری بخش‌های زیان‌ده می‌تواند فشار بدهی را کاهش دهد. اما این مسیر با هزینه اجتماعی بالا همراه است و می‌تواند معیشت گروه‌های کم‌درآمد را تحت فشار قرار دهد. گزارش‌ها تأکید می‌کنند که هر سه سناریو باید همزمان با اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی دنبال شوند تا اثر پایدار داشته باشند.

در پایان، گزارش هشدار می‌دهد که هر تأخیر در اصلاحات، هزینه تسویه بدهی را در آینده افزایش می‌دهد. این هزینه نه فقط به صورت مالی، بلکه به صورت کاهش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی و افزایش فشار بر نسل‌های آینده ظاهر می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا تصمیم‌گیران زمان کافی برای انتخاب مسیر مناسب دارند یا خیر، پاسخی که در بخش بعدی گزارش با جزئیات بیشتر آمده است.

بدهی دولت و مالیات آینده

بدهی دولت به بانک‌ها و بازار بین‌بانکی به رقمی نزدیک به ۱۲۰۰ تریلیون تومان رسیده است که بخش بزرگی از آن در قالب اوراق مشارکت و تسهیلات کوتاه‌مدت تأمین شده است. این رقم، که معادل تقریبی ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی است، در سال‌های اخیر با شیبی تند افزایش یافته و اکنون به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل شده است. پرسش اصلی این است که این بدهی چگونه و در چه زمانی باید تسویه شود و پیامدهای آن بر مالیات آینده شهروندان چیست.

در سوی درآمد، کاهش درآمد نفتی و محدودیت‌های تحریمی فشار مضاعفی بر بودجه وارد کرده است. در سوی هزینه، تعهدات اجتماعی و یارانه‌ای دولت نیز افزایش یافته است. نتیجه این دو مسیر، نیاز فزاینده به منابع مالیاتی است. اما پرسش مهم این است که آیا ساختار مالیاتی کشور ظرفیت پاسخ‌گویی به این نیاز را دارد یا خیر، و اگر پاسخ منفی است، پیامدهای آن بر معیشت خانوارها چه خواهد بود.

در سال ۱۴۰۲، سهم مالیات از کل درآمدهای بودجه حدود ۴۲ درصد برآورد شده است. این رقم در مقایسه با دهه گذشته افزایشی محسوس را نشان می‌دهد، اما هنوز فاصله زیادی با میانگین کشورهای منطقه دارد. در مقابل، سهم درآمدهای نفتی و گازی همچنان بالاتر از یک سوم است و این ساختار، آسیب‌پذیری بودجه را در برابر نوسان قیمت جهانی انرژی افزایش می‌دهد. پرسش کارشناسی این است که افزایش مالیات تا چه حد می‌تواند جایگزین درآمد نفتی شود بدون آنکه تولید داخلی را تضعیف کند.

از سوی دیگر، برخی اقتصاددانان هشدار می‌دهند که افزایش مالیات در شرایط رکود می‌تواند اثر معکوس داشته باشد و پایه مالیاتی را کوچک‌تر کند. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که اصلاح ساختار مالیات بر درآمد شرکت‌ها و معافیت‌های گسترده می‌تواند بدون فشار مستقیم بر مردم، درآمد قابل توجهی ایجاد کند. این دو دیدگاه، اگرچه متفاوت‌اند، هر دو بر ضرورت شفافیت در گزارش‌دهی درآمدها و هزینه‌های مالیاتی تأکید دارند.

در بخش پایانی گزارش، پیشنهادهایی مطرح شده است از جمله تجدید نظر در معافیت‌های مالیاتی، تقویت سامانه مودیان و کاهش تدریجی یارانه‌ها به شکلی هدفمند. این پیشنهادها در متن گزارش با ارزیابی کوتاه‌مدت و بلندمدت همراه است و خواننده می‌تواند هر یک را جداگانه بررسی کند. در بخش بعدی، سناریوهای مختلف برای تسویه بدهی و پیامدهای هر یک بر معیشت خانوارها با جزئیات بیشتر آمده است.

سناریوهای تسویه بدهی

سناریوی نخست، تسویه تدریجی بدهی از محل افزایش درآمد مالیاتی در افق ۱۰ ساله است. در این سناریو، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها به تدریج افزایش می‌یابد و معافیت‌های گسترده حذف می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد اگر رشد اقتصادی به طور متوسط ۳ درصد در سال باشد، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی در پایان دوره به حدود ۱۲۰ درصد کاهش می‌یابد. این سناریو نیازمند ثبات سیاست‌گذاری و اجرای دقیق است و هر وقفه در اصلاحات، زمان تسویه را افزایش می‌دهد.

سناریوی دوم، تسویه از محل فروش دارایی‌های دولتی است. ارزش برآوردی این دارایی‌ها در گزارش‌های رسمی حدود ۴۰۰ تریلیون تومان برآورد شده است. اما کارشناسان هشدار می‌دهند که فروش دارایی‌ها در شرایط عرضه زیاد، قیمت‌ها را پایین می‌آورد و درآمد واقعی کمتر از ارزش اسمی خواهد بود. این سناریو برای کوتاه‌مدت جذاب است، اما پایداری آن به شرایط بازار و اجرای شفاف بستگی دارد.

سناریوی سوم، کاهش هزینه‌های جاری دولت است. حذف یارانه‌ها، کاهش هزینه‌های اداری و واگذاری بخش‌های زیان‌ده می‌تواند فشار بدهی را کاهش دهد. اما این مسیر با هزینه اجتماعی بالا همراه است و می‌تواند معیشت گروه‌های کم‌درآمد را تحت فشار قرار دهد. گزارش‌ها تأکید می‌کنند که هر سه سناریو باید همزمان با اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی دنبال شوند تا اثر پایدار داشته باشند.

در پایان، گزارش هشدار می‌دهد که هر تأخیر در اصلاحات، هزینه تسویه بدهی را در آینده افزایش می‌دهد. این هزینه نه فقط به صورت مالی، بلکه به صورت کاهش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی و افزایش فشار بر نسل‌های آینده ظاهر می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا تصمیم‌گیران زمان کافی برای انتخاب مسیر مناسب دارند یا خیر، پاسخی که در بخش بعدی گزارش با جزئیات بیشتر آمده است.

اجاره‌نشینی ۱ احتمالی در مدل تکلیف مالی؛ بدهی دولت و مالیات آینده در سایه کاهش درآمد نفتی

(گزارش ویژه) — بخش دوم تحولات مالی و اقتصادی ۸ قسط‌بندی شده

بانک مرکزی / هدایت‌الله رضوی ▢

شورای پول و اعتبار، با انتشار بخشنامه‌ای به شماره ۱۴۰۳/۲۱۰ خطاب به بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه، سقف تازه‌ای برای نرخ سود تسهیلات خرد تعیین کرد. بر اساس این بخشنامه، نرخ سود تسهیلات زیر ۲۰۰ میلیون تومان برای بخش خانوارها نباید از ۲۴ درصد در سال بیشتر باشد. این تصمیم در حالی گرفته شد که گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد بسیاری از وام‌گیرندگان ناچار شده‌اند وام جدید بگیرند تا اقساط وام قبلی را بپردازند.

در شهرستان نمین، یکی از کارشناسان بانک توسعه منطقه‌ای گفت: «ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که در گزارش‌های رسمی دیده نمی‌شود. خانوارهایی که سه فقره وام دارند، ماه به ماه مبلغ بیشتری از درآمد خود را صرف بازپرداخت می‌کنند و هنوز هیچ نشانه‌ای از بهبود وضعیت مالی‌شان دیده نمی‌شود.» به گفته او، میانگین مبلغ وام‌های پرداخت‌شده در این شهرستان در شش ماه گذشته حدود ۱۸ درصد کاهش یافته است.

در مقابل، مدیران بانک‌ها استدلال می‌کنند که افزایش نرخ سود تسهیلات به معنای افزایش مطالبات غیرجاری است و این موضوع می‌تواند پایداری نظام بانکی را تضعیف کند. در گزارش داخلی یکی از بانک‌های خصوصی که نسخه‌ای از آن به دست ما رسیده، آمده است که نسبت مطالبات معوق در شعب روستایی این بانک در سه ماهه پایانی سال گذشته از ۹ به ۱۴ درصد رسیده است. این آمار، هرچند رسمی نیست، اما نشان می‌دهد فاصله میان آمار رسمی و واقعیت میدانی تا چه اندازه زیاد است.

از سوی دیگر، برخی فعالان اقتصادی معتقدند که کاهش سود تسهیلات بدون اصلاح ساختار تأمین مالی بانک‌ها، صرفاً فشار را از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌کند. اگر بانک‌ها ناچار شوند منابع خود را از بازار بین‌بانکی با سود بالا تأمین کنند، هزینه تمام‌شده تسهیلات دوباره افزایش می‌یابد و نهایتاً به مشتری برمی‌گردد. این چرخه، به گفته برخی کارشناسان، می‌تواند به ایجاد حباب کوچک‌تری در بازار پول منجر شود که در صورت ترکیدن، هزینه آن بسیار بیشتر از سود فعلی خواهد بود.

در پایان بخشنامه آمده است که بانک مرکزی موظف است تا پایان خرداد ماه گزارشی درباره اثرات این تصمیم منتشر کند. این گزارش قرار است شامل آمار تفکیک‌شده بر اساس استان، اندازه وام و بخش اقتصادی باشد. اما تا زمان تنظیم این گزارش، هیچ آمار رسمی درباره میزان وام‌های تمدید شده یا بازپرداخت‌شده منتشر نشده است. این خلأ اطلاعاتی، به گفته برخی تحلیل‌گران، امکان ارزیابی دقیق تأثیر بخشنامه را عملاً ناممکن می‌کند